

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۶/۱۶

عبدالحمید قنبران^۱، مسعود علیمردانی^۲، مریم محمدی^۳، فاطمه جم^۴

بررسی نقش جنسیت در ارزیابی امنیت فضای محله‌ای با تأکید بر رویکرد CPTED بررسی موردی: بخش میانی محله صابونپزخانه تهران^۵

چکیده

بدون شک امروزه یکی از معیارهای رضایت‌مندی افراد از فضاهای محله‌ای، داشتن محیطی امن و به دور از جرم محسوب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به تفاوت‌هایی که میان مردان و زنان از نظر فیزیک و ابعاد جسمی از یک‌سو و حساسیت و خصوصیات ادراکی از سوی دیگر وجود دارد، میزان توجه به مسئله امنیت نیز در میان آنان متفاوت است. لذا این پژوهش بر پایه رویکرد CPTED، به دنبال بررسی و تعیین شاخص‌های تأمین امنیت از طریق طراحی محیطی با توجه به ترجیحات زنان و مردان است. روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را ساکنان بخش میانی محله صابونپزخانه واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران تشکیل می‌دهند. ۲۰۰ پرسش‌نامه در خصوص میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها در امنیت محله به شیوه تصادفی در محله تکمیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان نقش تمامی شاخص‌ها شامل نظارت، مدیریت و نگهداری، کنترل دسترسی، قلمروگرایی و حمایت از فعالیت را در ادراک احساس ناامنی تأیید کردند؛ در حالی که در میان مردان دو شاخص نظارت و کنترل دسترسی مورد توجه بوده است. بنابراین لازم است توجه به این تفاوت در تدوین راهکارهای اجرایی دقیق‌تر به منظور تأمین امنیت فضاهای محله‌ای مد نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، امنیت، فضای محله‌ای، CPTED.

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: Ghanbaran@srttu.edu

^۲ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، استان تهران، شهر تهران
E-mail: Alimardani@srttu.edu

^۳ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران
E-mail: ma_mohammadi@arch.iust.ac.ir

^۴ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، استان تهران، شهر تهران
E-mail: F.Jam@srttu.edu

^۵ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد فاطمه جم با موضوع «امنیت محلات شهری از دیدگاه زنان با تأکید بر رویکرد CPTED» با راهنمایی دکتر عبدالحمید قنبران و مشاوره دکتر مسعود علیمردانی و دکتر مریم محمدی در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران است.

مقدمه

جرم و ترس از جرم در فضاهای شهری و بالاخص بافت‌های فرسوده و احساس ناامنی در این‌گونه فضاها از جمله مسائل جوامع امروزی به‌شمار می‌رود که زندگی روزمره افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در زمینه پیشگیری از جرم، رویکردهای مختلفی مطرح گردیده است که از جمله آنها می‌توان به رویکردهای قانونی و یا اجرای سیستم نظارت به‌وسیله پلیس (Dantzer and Robinson, 2002)، رویکرد اجتماعی (Welsh and Hoshi, 2002; Simons, 2002; Bennet et al., 2006; Syarmila Hany, 2008)، رویکرد مجرم یا متجاوز (Cozens et al., 2005) و رویکرد محیط فیزیکی (Brantingham and Brantingham, 2005; Newman, 1972; Blakely and Synder, 1997; Jacobs, 1961) اشاره کرد.

در میان تمامی این رویکردها، این محیط فیزیکی است که به اندازه محیط اجتماعی و شاید بیش از آن دارای اهمیت است؛ زیرا محیط فیزیکی شامل عناصر ثابتی است که از طریق برنامه‌ریزی و طراحی می‌تواند به کاهش فرصت‌های وقوع جرم منجر گردد (Nasar & Fisher, 1993). از میان رویکردهای فیزیکی پیشگیری از جرم می‌توان به پنج رویکرد مهم اشاره کرد که عبارتند از نظریه «چشمان خیابان» (Jacobs, 1961)، «فضاهای قابل دفاع» (Newman, 1973) «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» (Jeffery, 1971)، «پیشگیری وضعی جرم» (Clarke and Mayhew, 1980) و نظریه «پنجره‌های شکسته» (Wilson and Kelling, 1982) (اقتباس از Schneider and Kitchen, 2007, 115). هر رویکرد مؤلفه‌های منحصر به‌فرد خود را دارد، اما مهم‌ترین آنها که به‌طور معمول در تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرند، نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» است. این نظریه به‌عنوان یک رویکرد پیشگیرانه در شرایط استراتژیک و به‌عنوان فرآیندی در نظر گرفته شده است که اجرای پیشگیری از جرم را در مراحل اولیه برنامه‌ریزی به‌منظور تلاش برای از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم و جنایت تضمین می‌کند. لذا در این پژوهش سعی بر آن است تا با سنجش شاخص‌های مطرح شده در این رویکرد، در قالب پرسش‌نامه، دیدگاه ساکنان محله، در خصوص میزان تأثیرگذاری این شاخص‌ها در تأمین امنیت فضای محله‌ای و کاهش ترس از جرم مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله و ضرورت پرداختن به آن و پرسش اصلی پژوهش

امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان است که حتی در نردبان نیازهای آبراهام مازلو پس از نیازهای فیزیولوژیکی در وهله دوم نیازهای انسانی قرار می‌گیرد و نقش به‌سزایی در رشد و تأمین سایر نیازهای انسان دارد، به‌طوری که مهمترین نیاز برای درک، شناخت و استفاده از مواهب زندگی، تأمین امنیت است. نابسامانی کیفیت در بسیاری از پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج حاصل نشان می‌دهد که کاهش جرم ممکن است ترس را کاهش ندهد، اما در عوض کاهش دادن موقعیت‌های نابسامان ادراک شده و بهبود کیفیت زندگی در محله ممکن است در کاهش ترس ساکنان تأثیر به‌سزایی داشته باشد (Walklate, 1998 & Schafer, et. al, 2006). در واقع ترس از جرم در یک جامعه به‌عنوان عامل نفاق و در واقع مشکلی بزرگ‌تر از خود جرم محسوب می‌گردد. در مورد میزان استفاده عمومی از فضاهای شهری نیز اغلب مردم از مکان‌هایی که احساس در معرض خطر و به‌طور کلی ناامن بودن دارند، دوری می‌کنند و در نتیجه این مکان‌ها به‌تدریج به محیط‌های متروک و مکان‌هایی برای سوء استفاده و فعالیت‌های مجرمانه تبدیل می‌شوند.

ترس و احساس ناامنی بیشتر با ادراکات ذهنی از کیفیت زندگی محله در ارتباط است. مسئله مطرح شده در این پژوهش آن است که طراحی نادرست محیط شهری در ایجاد فرصت‌های وقوع جرم و احساس ناامنی در افراد مؤثر است. این مسئله به‌ویژه برای زنان اهمیت دارد چرا که با توجه به الگوهای رفتاری حاکم بر روابط آنها و گروه‌هایی که تحت مراقبت آنها قرار می‌گیرند (مانند کودکان و سالمندان) نیازمند کیفیات خاصی در فضا چون امنیت هستند تا اطمینان خاطر لازم برای حضورپذیری در فضاهای شهری و به‌ویژه فضای عمومی محلات که محل حضور روزانه و دائم آنها است، فراهم شود. به بیان دیگر امنیت با فضا، جنسیت، ساخت‌وساز شهری و کیفیت‌های محیطی آن ارتباط معناداری دارد. در این میان، برخی از بافت‌های شهری از جمله بافت‌های فرسوده به دلیل عدم توجه و رسیدگی و از دست دادن کیفیت‌های محیطی خود، زمینه لازم برای بروز ناامنی و جرم را فراهم می‌آورند. پس لازم است تدابیری اندیشیده شود تا از طریق طراحی محیطی صحیح از بروز جرائم و ایجاد ناامنی در این‌گونه محیط‌ها جلوگیری شود. برنامه‌ریزان و طراحان فضاهای شهری تلاش می‌کنند تا با شناسایی عوامل تهدیدکننده احساس امنیت، به‌ویژه در فضاهای عمومی، امنیت را برای استفاده‌کنندگان از آن فضاها فراهم کنند. آنها معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند، باید برای همه گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند. تأکید بر علل ایجاد ترس و به حاشیه رانده شدن گروه‌ها، اهمیت مسئله جنسیت و تجارب متفاوت زنان و مردان در این زمینه را تقویت کرده است و به نظر می‌رسد که سنجش شاخص‌های رویکرد پیشگیرانه باید به‌طور دقیق‌تر و کارآمدتر انجام گیرد.

پرسش اصلی این پژوهش با توجه به تفاوت در درجه حساسیت در ادراک میزان امنیت در میان زنان و مردان، شناسایی میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های این رویکرد و بررسی تجارب دو گروه جنسیتی در زمینه ترس از جرم در فضای محله‌ای است که به‌عنوان بخشی از فضای شهری، زمینه پژوهش و بررسی مقایسه‌ای را فراهم می‌آورد. شناسایی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مؤثر رویکرد انتخابی، نیاز به بررسی ادبیات نظری موجود در این زمینه خواهد داشت. بنابراین پرسش‌ها و فرضیات تدقیق شده، در ادامه و پس از بررسی ادبیات نظری به تفصیل ارائه خواهند شد.

ادبیات نظری پژوهش

جنسیت، مکان و ترس

در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا اوایل ۱۹۹۰ میلادی این ایده که ترس معلول ویژگی‌های خاص محیط‌های ساخته شده و یا تشدید شده توسط این ویژگی‌هاست، مورد توجه مجامع دانشگاهی و نهادهای سیاسی و قانونی قرار گرفت. ارتباط ترس به‌طور خاص با ویژگی‌های محیطی مانند غیرجذاب بودن، نگهداری ضعیف محیط، تاریکی و تنهایی مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش در این زمینه، توسط محققانی چون نیومن (۱۹۷۳) و کلمن (۱۹۸۵) آغاز گردید و به مفهوم «فضای قابل دفاع» برای تأکید بر نقش طراحی در ایجاد رعب و وحشت منجر گردید. این پژوهش استدلال می‌کرد که ترس را می‌توان از طریق طراحی و برنامه‌ریزی دقیق فضاهای عمومی که احساس امنیت در مردم را با ساخت محیط‌های جذاب و واضح که عاری از هرگونه مکان بالقوه برای اختفای مجرمان است، از میان برد. پژوهش‌های بعدی بر روی جنبه‌های فیزیکی محیط طراحی شده متمرکز بودند، اما هنوز هم تحت سلطه این عقیده قرار داشتند که ترس و ایمنی تحت تأثیر استفاده و تجربه مردم از محیط ساخته شده و نگرانی آنها در فضای عمومی است. (Little, et al, 2005)

مشخصه‌های فردی بسیاری در ادراک امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیرگذار هستند. اما برخی از این عوامل نقش مؤثرتری ایفا می‌کنند؛ از جمله جنسیت، سن، محیط زندگی، تجربه قبلی جرم، قومیت و فرهنگ. در این مطالعه مؤلفه جنسیت با توجه به هدف پژوهش در درجه اول اهمیت قرار دارد.

جنسیت به‌عنوان مهمترین عامل شخصیتی در درک امنیت است. عموماً زنان ترس بیشتری را حس می‌کنند تا مردان، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی شوند. به‌طور کلی مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند (فرید پهرانی، ۱۳۹۰، ۷۵). هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند ولی درجه حس ناامنی در زنان بالاتر است. برخی از زنان خود نیز از این ترس که در طول روز با آنها همراه است آگاه نیستند و احساس ناخوشایندی دارند. آنها با این ترس به دنیا نیامده‌اند، اما این موضوع برای آنها همگانی و هنجار شده است.

جرم‌شناسی فمینیستی از جمله منتقدان اصلی این جریان است که در مورد رویکرد محیط فیزیکی و به‌طور خاص بر روی عامل ترس زنان بر فرم شهری تأکید کرده است. هواداران این دیدگاه این بحث را مطرح کرده‌اند که طراحی شهر به‌طور سنتی مناسبات مردسالارانه را منعکس کرده است. منطقه‌بندی و استفاده از زمین‌های مختلف به‌خصوص پس از جدایی فضاهای تولید و مصرف، مناطقی را ایجاد کرده است که زنان احساس می‌کنند از آن حذف شده و یا در آن بیگانه هستند (Darke, 1996).

برنامه‌ریزان فمینیستی و سیاست‌گذاران شرح داده‌اند که چگونه شهرها توسط مردان و برای آنان خلق شده‌اند و نیازهای زنان همواره نادیده گرفته شده است و در نتیجه زنان در چنین محیط‌هایی احساس تهدید، ناامنی و عدم کنترل می‌کنند. در انتقاد از چنین محیط‌هایی، طراحی شهری رویکرد محور از تمرکز بیشتر بر روی علل ترس زنان حمایت کردند (Burgess, 1998; Koskela, 1997; Pain, 1997; Valentine, 1990).

CPTED یا نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی

نظریه CPTED را می‌توان طراحی کارآمد و به‌کارگیری بهینه کلیه عناصر موجود در محیط مصنوع به‌منظور کاهش جرائم شهری دانست که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش رضایت‌مندی شهروندی و بهبود رفاه و سرمایه اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد (Crowe, 2000, 46).

ری جفری^۲ که اولین بار در سال ۱۹۷۱ میلادی عبارت «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را بیان کرد، تأثیر عواملی مانند طراحی، روان‌شناسی، فیزیولوژی و زیست‌شناسی را بر روی جرم مطرح نمود. این مسئله نقطه‌عطفی در مورد بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای نابه‌هنجار گردید، زیرا این مقوله تا قبل از آن در حوزه مباحث جرم‌شناسی قرار می‌گرفت. البته کار اصلی جفری در سال ۱۹۷۱ میلادی حاوی هیچ دستورالعمل دقیقی برای پیشگیری از جرم نبود (Robinson, 1996).

نسل دوم نظریه CPTED در دهه گذشته توسعه یافته است که بیشتر با به رسمیت شناختن ارتباط بین مدیریت و استفاده از محیط فیزیکی، تبدیل به یک نظریه جامع شده است و ارتباطی بین عوامل فیزیکی و اجتماعی پدید آورده است. این رویکرد می‌تواند در دو بعد کاهش حقیقی جرائم در محیط‌های شهری از یک‌سو و افزایش احساس ایمنی و امنیت در آنها مؤثر واقع شود. این مسئله از آن جهت مهم است که باید علاج واقعه را قبل از وقوع کرد و این در حالی است که

در اجتماع امروز بر مجازات و تنبیه پس از وقوع جرائم تأکید می‌شود. گویی باید جرمی واقع شود تا به جلوگیری از آن اندیشید یا به نقش فضاهای غیرقابل دفاع شهر در این زمینه توجه کرد (Cozen et al, 2005).

موفقیت CPTED بر اساس پنج شاخص اصلی آن شامل قلمروگرایی،^۵ نظارت،^۶ کنترل دسترسی،^۷ مدیریت و نگهداری^۸ و حمایت از فعالیت^۹ تأمین می‌شود. «قلمروگرایی» مجموعه رفتارها و شناخت‌هایی است که یک فرد یا گروه بر مبنای مالکیتی که از فضای فیزیکی متصور شده است، از خود نشان می‌دهد و می‌توان آن را به‌عنوان ایده‌ای تعریف کرد که «احساس مالکیت» را در کاربران قانونی فضا تقویت می‌کند و در نتیجه باعث کاهش فرصت‌های وقوع تخلف توسط کاربران نامشروع می‌گردد. عدم قطعیت مالکیت موجب کاهش احساس مسئولیت و افزایش احتمال وقوع جرم و رفتارهای ناهنجار غیرقابل مقابله می‌گردد. اصل ایجاد امنیت توسط «نظارت» مبتنی بر این انگاره است که در تمامی لحظات، نظارت موجب پیشگیری از اقدامات مجرمانه می‌گردد. در این اصل بر «دیدن و دیده شدن» به‌عنوان یک ابزار مهم در پیشگیری از جرم بسیار تأکید می‌شود (دیویس، ۱۳۸۹، ۲۴).

«کنترل دسترسی» به بیان ساده یعنی تعیین مرز و حدود مالکیت فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی از فضاهای عمومی و فلسفه آن محدود کردن استفاده افراد اجتماع از فضاهای غیرعمومی است. «مدیریت و نگهداری»، به این مسئله توجه دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک محیط به تصویری بستگی دارد که ساکنان و دیگر افراد از فضای موجود دارند. ارتقاء و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مرتب و روزانه محیط، این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی، کارکرد خود را به‌طور مؤثری انجام می‌دهد و باعث انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد (Sakip & Aldrin, 2012).

«حمایت از فعالیت» نیز به این نکته اشاره دارد که با گذاشتن فعالیت‌ها در فضاهای عمومی که ساکنان یا استفاده‌کنندگان قانونی تمایل به استفاده از آن دارند، فعالیت مجرمان کاهش می‌یابد. این نکته بسیار مهم است که در ساعاتی که استفاده از فضا کاهش می‌یابد، با ایجاد فعالیت‌های مناسب آن را زنده کرد. در هر حال تصمیم‌گیری در مورد نوع و سطح فعالیت نیازمند توجه به بافت و زمینه محلی است (دیویس، 1389، 30).

سوالات و فرضیات پژوهش

هدف نهایی پژوهش حاضر، شناسایی شاخص‌های مؤثر رویکرد CPTED بر احساس امنیت استفاده‌کنندگان از فضای محله‌ای است و سوالات کلی پژوهش حاضر عبارت است از:

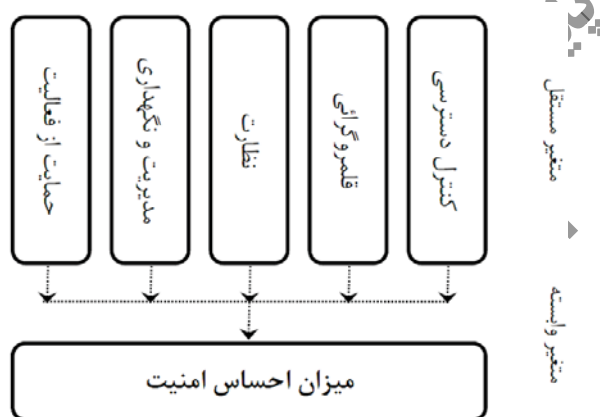
- آیا به‌لحاظ رضایت‌مندی از امنیت کلی فضای محله‌ای میان زنان و مردان تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

از میان شاخص‌های مطرح شده در رویکرد CPTED (نظارت، کنترل دسترسی، قلمروگرایی، مدیریت و نگهداری و حمایت از فعالیت)، از دیدگاه ساکنان، کدامیک سبب افزایش امنیت و کاهش ترس از جرم در آنها در محدوده نمونه مورد بررسی خواهند شد؟

همچنین با توجه به هدف پژوهش، فرضیه اصلی که شامل ۵ زیرفرضیه است ارائه می‌شود، در عین حال مدل فرضی تحقیق حاضر در شکل ۱ آمده است.

فرضیه اصلی بدین شرح است: میان زنان و مردان در میزان رضایت‌مندی از امنیت فضای محله‌ای تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد و میزان رضایت‌مندی از شاخص‌های رویکرد CPTED بر

- احساس امنیت در میان هر دو گروه جنسیتی تأثیرگذار است و زیرفرضیات پژوهش نیز عبارتند از:
- میزان رضایت‌مندی از شاخص کنترل دسترسی بر احساس امنیت، در میان هر دو گروه جنسیتی تأثیرگذار است.
 - میزان رضایت‌مندی از شاخص قلمروگرایی، بر احساس امنیت در میان هر دو گروه جنسیتی تأثیرگذار است.
 - میزان رضایت‌مندی از شاخص نظارت، بر احساس امنیت در میان هر دو گروه جنسیتی تأثیرگذار است.
 - میزان رضایت‌مندی از شاخص حمایت از فعالیت، بر احساس امنیت در میان هر دو گروه جنسیتی تأثیرگذار است.
 - میزان رضایت‌مندی از شاخص مدیریت و نگهداری بر احساس امنیت در میان هر دو گروه جنسیتی تأثیرگذار است.



شکل ۱. رابطه فرضی میان شاخص‌های CPTED و میزان رضایت‌مندی از امنیت از دید استفاده‌کنندگان
منبع: نگارندگان

معرفی محدوده محله صابونپزخانه تهران

محله صابونپزخانه در حوزه فراگیر به‌عنوان یکی از محلات پیرامون بازار تهران است که به‌لحاظ سکونتی و فعالیتی همیشه نقش پشتیبانی را به‌عهده داشته است و امروزه حادث شدن شرایطی چون بافت اجتماعی ناپایدار، قدرتمند نبودن نظام خانواده‌ای در میان ساکنان، تداخل فعالیت‌های شهری با کارکردهای محله‌ای، از میان رفتن هویت و ساختار محله‌ای مستقل و نبود خوانایی کالبدی، وجود فعالیت‌های غیررسمی و داد و ستدهای خلاف قانون در محله از یک‌سو و همجواری با بازار و راسته فعالیت شهری از سوی دیگر، بر حوزه کارکردی درون محله اثرات نامساعدی به‌جا گذاشته است.

بخش میانی محله صابونپزخانه که با توجه به اولویت‌هایی چون فرسودگی شدید و ناامنی در طرح جامع تهران مصوب سال ۱۳۸۵ در اولویت اول بافت‌های فرسوده معرفی شد، به‌عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. این بخش با وسعت ۳۴/۱ هکتار، حدود ۲۵/۳ درصد (یک‌چهارم) از کل مساحت محله را تشکیل می‌دهد که از شمال به خیابان مولوی، از شرق به خیابان‌های پیرمرادی و معروفخانی، از جنوب به خیابان انوری و از غرب به خیابان شهید اکبری محدود می‌گردد (طرح منظر شهری محدوده میانی صابونپزخانه - گزارش اول، ۱۳۸۶) (شکل ۲).



شکل ۲. نقشه موقعیت بخش میانی محله صابونپزخانه در منطقه ۱۲ تهران
منبع: نگارندگان

روش پژوهش

نوع مطالعه و ابزار پژوهش

این پژوهش در حوزه چارچوب نظری، یک «تحقیق تجربی» و در حوزه «مطالعات میدانی»، بهره‌مند از «روش پیمایشی»^۹ و با ابزار گردآوری داده به صورت «مشاهده» و «پرسش‌نامه» است که در قالب مطالعه‌ای کاربردی با «روش همبستگی» به بررسی مقطعی و تبیینی «احساس امنیت ساکنان» و شاخص‌های تأثیرگذار CPTED پرداخته است. پرسش‌نامه محقق‌ساخته با توجه به سؤالات پژوهش با استفاده از گزینه‌های رایج مطالعات آماری و محیطی طراحی شد. در پرسش‌نامه این تحقیق از طیف لیکرت^{۱۰} ۵ گزینه‌ای استفاده شده است. این بخش از تحقیق از نظر زمانی بررسی مقطعی^{۱۱} و از نظر وسعت بررسی پهناگر^{۱۲} است. به منظور تعیین روایی^{۱۳} سؤال‌های پرسش‌نامه از روش تحلیل روایی محتوایی^{۱۴} و به منظور تعیین پایایی سؤال‌ها از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

این پژوهش بر پایه رویکردی تعاملی به بررسی دیدگاه ساکنان بخش میانی محله صابونپزخانه واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران در خصوص میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های رویکرد مطرح شده در ایجاد حس امنیت در ساکنان محله می‌پردازد. جامعه آماری در این

پژوهش، ساکنان بخش میانی محله صابونپزخانه (زن و مرد) در رده سنی ۱۸ سال به بالا هستند که به تنهایی توانایی حضور در فضای محله‌ای و استفاده از امکانات آن را دارند. تعداد حجم نمونه آماری با در نظر گرفتن عدد ۵۰۰۰ به عنوان حجم جامعه بخش میانی محله صابونپزخانه که نشان دهنده جمعیت در محدوده بلافصل پارک‌های سه‌گانه و مرکز محله است و با دقت ۹۵٪ و سطح خطای ۰/۰۵، معادل ۱۶۱ محاسبه شد که در تحقیق حاضر، ۲۰۰ پرسش‌نامه در محله میان استفاده‌کنندگان توزیع و تکمیل گردید.

توزیع و اعتبارسنجی پرسش‌نامه

به منظور تعیین مسائل و مشکلات احتمالی پرسش‌نامه و حصول اطمینان از قابل فهم بودن آن، پیش‌نویس آن مورد آزمون قرار گرفت. این پیش‌آزمون اولیه^{۱۵} با مشارکت تعدادی از استادان و کارشناسان رشته شهرسازی انجام شد. پس از بررسی‌های اولیه و ایجاد تغییرات مورد نظر، پیش‌آزمون رسمی با تعداد ۳۰ نمونه در بین ساکنان محله توزیع گردید.

در گام بعدی، پرسش‌نامه‌ها در ساعات مختلف شبانه‌روز در بین اقشار مختلف محله توزیع گردید و در نهایت داده‌های به دست آمده از آنها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آنجا که پرسش‌نامه محقق ساخته هنگامی معتبر است که سؤالات آن دارای روایی^{۱۷} و پایایی^{۱۸} باشند، لذا برای سنجش پایایی پرسش‌نامه از روش ثبات درونی^{۱۹} استفاده شد که معمول‌ترین روش محاسبه آن ضریب آلفای کرونباخ است. این روش بر اساس سازگاری یا هماهنگی درونی پرسش‌نامه شکل گرفته است. همسانی درونی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از شاخص ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۳۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده این است که سؤالات از پایایی مناسبی برخوردار هستند.

در پژوهش حاضر برای تعیین روایی سؤالات از روش‌های روایی صوری و روایی سازه استفاده شده است. برای تعیین اعتبار صوری سؤالات پرسش‌نامه از اساتید مجرب و متخصص در حوزه شهرسازی که با موضوع تحقیق آشنایی داشتند خواسته شد که تا پاسخ دهند که آیا سؤالات برای تأمین هدف پژوهش مناسب است یا خیر و برای تعیین روایی سازه از روش «تحلیل عامل اکتشافی»^{۲۰} استفاده شده است.

بررسی تحلیل یافته‌ها

پیش از آزمون فرضیات، به منظور پاسخگویی به فرضیه اصلی پژوهش و بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت‌مندی از امنیت فضای محله‌ای از دیدگاه زنان و مردان و رتبه‌بندی این دو گروه نسبت به یکدیگر، از آزمون t دو نمونه‌ای مستقل^{۲۱} (آزمون مقایسه میانگین‌ها) استفاده گردید. فرضیه صفر بر آن است که میانگین دو گروه انتخابی به لحاظ احساس امنیت هیچ تفاوتی ندارند و رد این فرضیه حکم به وجود اختلاف میان میانگین‌های دو گروه می‌دهد.

بر اساس آنچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بررسی آزمون مقایسه میانگین‌ها در این محله نشان می‌دهد که با توجه به میزان معنی‌داری به دست آمده، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه این آزمون، وجود تفاوت معنی‌دار میان میانگین میزان رضایت‌مندی از امنیت فضای محله‌ای در هر دو گروه را نشان می‌دهد. در عین حال بررسی میانگین‌ها حاکی از این موضوع است که میانگین رضایت‌مندی مردان، بالاتر از زنان است. در جدول زیر به تفصیل نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. بررسی مقایسه میانگین رضایت‌مندی از امنیت با استفاده از آزمون t دو نمونه‌ای مستقل

میزان رضایت‌مندی از امنیت محله	میانگین	رتبه	انحراف معیار
مردان	۲,۶۹۰	۱	۰,۸۳۷
زنان	۲,۰۳۰	۲	۰,۹۱۵
میزان معنی‌داری		فاصله اطمینان اختلاف‌ها در حد ۹۵٪	
۰,۰۰۰	کران بالا	کران پایین	
رضایت‌مندی از امنیت		۰,۹۱۵	۰,۹۰۴

منبع: نگارندگان

در ادامه به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از یک‌سو و انجام تحلیل اکتشافی و درک روابط میان متغیرهای وابسته و مستقل از آزمون‌های همبستگی استفاده شده است تا وجود رابطه همبستگی میان متغیرها مورد بررسی دقیق و تفصیلی قرار گیرد. بدین‌ترتیب برای بررسی رابطه میان داده‌های اسمی^{۲۲} از آزمون ضریب توافق^{۲۳} و برای بررسی رابطه میان داده‌های رتبه‌ای^{۲۴} از آزمون گاما^{۲۵} استفاده می‌شود. برای به‌دست آوردن نتایج معتبر در آزمون‌های فوق از شاخص راستی برآورد سطح معنی‌داری^{۲۶} استفاده شد تا نتایج حاصل نسبت به عدم تعادل در توزیع داده‌ها، حجم نمونه و یا پراکنش زیاد در فراوانی پاسخ‌ها مقاوم باشد.

نتیجه آزمون زیرفرضیه اول

شرح این زیرفرضیه عبارت است از این مسئله که میزان رضایت از امنیت محله با میزان کنترل دسترسی بر آن رابطه دارد. شاخص کنترل دسترسی با سه زیرشاخص «تعریف ورودی‌ها»، «دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی» و «کنترل ورود و خروج افراد غریبه» مورد پرسش قرار گرفته است.

بررسی رابطه همبستگی میان متغیرهای مستقل و میزان رضایت‌مندی از امنیت محله به‌عنوان متغیر وابسته در جدول ۲ آورده شده است. به‌منظور بررسی فرضیه، از «آزمون همبستگی گاما» استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود با در نظر گرفتن سطح معناداری ۰,۰۵، و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، میان «تعریف ورودی‌ها» و متغیر وابسته در میان مردان و زنان رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه مثبت است. همچنین نتایج حاکی از آن است که در بین زنان میان «دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی» و متغیر وابسته رابطه معنادار مثبتی وجود دارد ولی این رابطه در میان مردان وجود ندارد.

بررسی رابطه میان متغیر مستقل «کنترل ورود و خروج افراد غریبه» و متغیر وابسته نیز نشان می‌دهد که در میان مردان رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه مثبت است، ولی در میان زنان این رابطه وجود ندارد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، شاخص کنترل دسترسی، شاخص نسبتاً تأثیرگذاری در میزان رضایت‌مندی از امنیت از دیدگاه هر دو استفاده‌کنندگان زن و مرد محسوب می‌شود.

جدول ۲. بررسی رابطه همبستگی میان زیرشاخص‌های متغیر مستقل کنترل دسترسی و متغیر وابسته میزان رضایت‌مندی از امنیت

همبستگی	جنسیت	امنیت کل محله	
		معداری	مقدار احتمال
زیر شاخص‌های کنترل دسترسی	زن	۰,۰۲۲	۰,۳۱۳
	مرد	۰,۰۴۵	۰,۲۱۴
	زن	۰,۰۱۹	۰,۲۹۶
	مرد	۰,۰۱۵۸	۰,۱۹۵
	زن	۰,۰۵۰۲	۰,۰۸۹
	مرد	۰,۰۴۸	۰,۲۲۲

منبع: نگارندگان

نتیجه آزمون زیرفرضیه دوم

شرح زیرفرضیه عبارت است از اینکه میزان رضایت از امنیت محله با میزان قلمروگرایی بر آن رابطه دارد. شاخص قلمروگرایی با سه زیرشاخص «احساس تعلق»، «تعریف عرصه‌ها» و «نشانه‌گذاری محیطی» مورد پرسش قرار گرفته است.

به‌منظور بررسی فرضیه از آزمون همبستگی گاما استفاده شده و رابطه همبستگی میان زیرشاخص‌های متغیر مستقل «قلمروگرایی» و متغیر وابسته «میزان رضایت‌مندی از امنیت» مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، با در نظر گرفتن سطح معنی‌داری ۰,۰۵، و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، میان متغیر مستقل «احساس تعلق» و متغیر وابسته هم در میان زنان و هم در میان مردان رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه در جهت مستقیم و مثبت است. در مورد دو زیرشاخص «نشانه‌گذاری محیطی» و «تعریف عرصه‌ها»، با میزان رضایت از امنیت محله تنها در میان زنان می‌توان با متغیر وابسته رابطه معناداری را شاهد بود و این رابطه در جهت معکوس است.

جدول ۳. بررسی رابطه همبستگی میان زیرشاخص‌های متغیر مستقل قلمروگرایی و متغیر وابسته میزان رضایت‌مندی از امنیت

همبستگی	جنسیت	امنیت کل محله	
		معداری	مقدار احتمال
زیر شاخص‌های قلمروگرایی	زن	۰,۰۱۹	۰,۲۷۱
	مرد	۰,۰۳۰	۰,۳۴۷
	زن	۰,۰۳۹	-۰,۲۱۵
	مرد	۰,۰۵۷۷	۰,۰۶۶
	زن	۰,۰۴۶	-۰,۲۴۸
	مرد	۰,۱۲۶	-۰,۱۶۹

منبع: نگارندگان

نتیجه آزمون زیرفرضیه سوم

شرح زیرفرضیه عبارت است از این مسئله که میزان رضایت از امنیت محله با میزان نظارت بر آن رابطه دارد. شاخص نظارت با هشت زیرشاخص «تراکم شبانه‌روزی جمعیت»، «نقاط غافلگیری»، «طراحی مسیرهای حرکت پیاده»، «نظارت طبیعی»، «نظارت رسمی»، «جهت‌گیری ساختمان‌ها»، «استفاده از دوربین‌های مداربسته» و «کیفیت نورپردازی» مورد پرسش قرار گرفته است.

بررسی رابطه همبستگی میان متغیرهای مستقل و «میزان رضایت‌مندی از امنیت» به‌عنوان متغیر وابسته در جدول ۴ آورده شده است. میان «تراکم شبانه‌روزی جمعیت» به‌عنوان متغیر مستقل و رضایت‌مندی از امنیت به‌عنوان متغیر وابسته در میان زنان رابطه معناداری وجود ندارد، ولی این رابطه در میان مردان به‌صورت معکوس به‌چشم می‌خورد.

بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل «نقاط غافلگیری» و «طراحی مسیرهای حرکت پیاده» با متغیر وابسته نشان می‌دهد که این رابطه هم در میان مردان و هم زنان وجود دارد و معکوس است. همچنین بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل «نظارت طبیعی»، «کیفیت نورپردازی» و «جهت‌گیری ساختمان‌ها» نشان می‌دهد که این رابطه تنها در میان زنان وجود دارد و تنها در مورد جهت‌گیری ساختمان این رابطه معکوس است.

نتایج آزمون مشابه همبستگی (آزمون گاما)، نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی میان «نظارت رسمی» و میزان رضایت از امنیت، هم در میان مردان و هم زنان وجود دارد و این رابطه مثبت است. همچنین در میان زنان، میان متغیر مستقل «استفاده از دوربین‌های مداربسته» با میزان رضایت‌مندی از امنیت رابطه‌ای وجود ندارد. ولی در میان مردان، این رابطه وجود داشته و مثبت است. از طرفی نتایج حاکی از آن است که میان متغیر مستقل «کیفیت نورپردازی» و متغیر وابسته در میان مردان، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۴. بررسی رابطه همبستگی میان زیرشاخص‌های متغیر مستقل نظارت و متغیر وابسته میزان رضایت‌مندی از امنیت

همبستگی	جنسیت	اهمیت کل محله	
		معناداری	مقدار احتمال
تراکم شبانه‌روزی جمعیت	زن	۰,۴۶۶	۰,۱۱۷
	مرد	۰,۰۱۷	-۰,۲۶۹
نقاط غافلگیری	زن	۰,۰۰۰	-۰,۵۶۷
	مرد	۰,۰۱۸	-۰,۲۶۳
طراحی مسیرهای حرکت پیاده	زن	۰,۰۰۰	-۰,۵۰۲
	مرد	۰,۰۰۱	-۰,۲۸۶
نظارت طبیعی	زن	۰,۰۲۹	۰,۳۴۵
	مرد	۰,۷۶۳	-۰,۰۳۶
نظارت رسمی	زن	۰,۰۳۳	۰,۲۷۷
	مرد	۰,۰۰۰	۰,۴۹۵
جهت‌گیری ساختمان	زن	۰,۰۲۶	-۰,۲۲۲
	مرد	۰,۱۹۳	۰,۱۵۱
استفاده از دوربین‌های مداربسته	زن	۰,۸۶۰	-۰,۰۲۷
	مرد	۰,۰۴۰	۰,۲۴۲
کیفیت نورپردازی	زن	۰,۰۱۲	۰,۳۹۱
	مرد	۰,۹۴۶	۰,۰۰۸

زیرشاخص‌های نظارت

منبع: نگارندگان

نتیجه آزمون زیرفرضیه چهارم

شرح زیرفرضیه عبارت است از اینکه میزان رضایت از امنیت محله با حمایت از فعالیت در آن رابطه دارد. شاخص حمایت از فعالیت با چهار زیرشاخص «کاربری‌های شبانه‌روزی»، «کاربری‌های غیرفعال»، «کاربری‌های فرامحله‌ای» و «فعالیت‌های جاذب پیاده‌ها» مورد پرسش قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، میان زیرشاخص‌های «کاربری‌های شبانه‌روزی» و میزان رضایت‌مندی از امنیت در میان زنان و مردان نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای معکوس به‌چشم می‌خورد. میان زیرشاخص‌های «کاربری‌های غیرفعال»، «کاربری‌های فرامحله‌ای» و «کاربری‌های شبانه‌روزی» و میزان رضایت‌مندی از امنیت، چه در میان زنان و چه در میان مردان رابطه معناداری در جهت معکوس وجود دارد. همچنین نتایج آزمون همبستگی میان متغیر مستقل «فعالیت‌های جاذب پیاده‌ها» و متغیر وابسته نشان می‌دهد که در میان زنان این رابطه به‌گونه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد ولی در میان مردان چنین رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول ۵. بررسی رابطه همبستگی میان زیرشاخص‌های متغیر مستقل حمایت از فعالیت و متغیر وابسته میزان رضایت‌مندی از امنیت

مقدار احتمال	امنیت کل محله		جنسیت	همبستگی	زیرشاخص‌های حمایت از فعالیت
	معناداری	مقدار احتمال			
-۰,۳۱۱	۰,۰۲۳	زن	کاربری‌های شبانه‌روزی	۰,۰۴۳	کاربری‌های غیر فعال
-۰,۲۱۱	۰,۰۴۳	مرد			
-۰,۲۷۶	۰,۰۳۴	زن	کاربری‌های غیر فعال	۰,۰۲۳	کاربری‌های فرامحله‌ای
-۰,۲۵۲	۰,۰۲۳	مرد			
-۰,۳۲۶	۰,۰۱۶	زن	کاربری‌های فرامحله‌ای	۰,۰۳۴	کاربری‌های جاذب پیاده‌ها
۰,۱۹۳	۰,۰۳۴	مرد			
-۰,۲۲۴	۰,۰۱۷	زن	کاربری‌های جاذب پیاده‌ها	۰,۰۲۰	
-۰,۰۷۹	۰,۰۲۰	مرد			

منبع: نگارندگان

نتیجه آزمون زیرفرضیه پنجم

شرح زیر فرضیه عبارت است از اینکه میزان رضایت از امنیت محله با میزان مدیریت و نگهداری در آن رابطه دارد. شاخص مدیریت و نگهداری، با چهار زیرشاخص «نظافت محیط»، «زیبایی»، «وجود کاربری‌های متروک» و «فعالیت شورای محله» مورد پرسش قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، میان «نظافت محیط» با میزان رضایت‌مندی از امنیت از دیدگاه زنان، رابطه همبستگی وجود ندارد ولی در میان مردان در سطح اطمینان ۹۵ درصد این رابطه به‌گونه مستقیم و مثبت به‌چشم می‌خورد. به‌عبارتی هرچه «نظافت محیط» افزایش یابد، میزان رضایت‌مندی از امنیت فضا نیز افزایش خواهد یافت. میان متغیر مستقل «زیبایی» و متغیر وابسته چه در میان زنان و چه مردان رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که رابطه مستقیمی میان متغیرهای مستقل «فعالیت شورای محله» و «امنیت کاربری‌های متروک» و متغیر وابسته در میان زنان وجود دارد و این رابطه در مورد فعالیت شورای محله مثبت و در مورد امنیت کاربری‌های متروک منفی و در جهت معکوس است و در میان مردان نمی‌توان این رابطه را مشاهده کرد.

جدول ۶. بررسی رابطه همبستگی میان زیرشاخص‌های متغیر مستقل مدیریت و نگهداری و متغیر وابسته میزان رضایت‌مندی از امنیت

مقدار احتمال	امنیت کل محله		جنسیت	همبستگی
	معداداری	مقدار احتمال		
۰,۳۰	۰,۸۱۲		زن	نظافت محیط
۰,۲۱۸	۰,۰۳۵		مرد	
۰,۱۹۶	۰,۱۶۷		زن	زیبایی
۰,۰۸۳	۰,۴۸۴		مرد	
-۰,۳۱۰	۰,۰۲۹		زن	وجود کاربری‌های متروک
-۰,۱۲۴	۰,۲۵۵		مرد	
۰,۴۱۷	۰,۰۰۲		زن	فعالیت شورای محله
۰,۱۱۵	۰,۳۸۰		مرد	

منبع: نگارندگان

جمع‌بندی و ارائه مدل نهایی پژوهش

به‌منظور بررسی نقش جنسیت در ارزیابی امنیت فضای محله‌ای، خلاصه‌ای از نتایج پژوهش نگارندگان که با تکنیک پرسشگری در بخش میانی محله صابونپزخانه تهران انجام شده است، ارائه می‌شود. نتیجه تحلیل داده‌های آماری ۲۰۰ پرسش‌نامه در این محله نشان می‌دهد که شاخص‌ها و زیرشاخص‌های تأثیرگذار و اولویت‌بندی آنها به تفکیک هر دو گروه جنسیتی استفاده‌کننده از فضا متفاوت است. نتایج حاصل از این بررسی به‌منظور انجام مقایسه بهتر در قالب جدول ۷ ارائه گردیده است. از میان شاخص‌های تعیین شده بر مبنای فرضیات، از نظر زنان به‌ترتیب زیرشاخص‌های نقاط غافلگیری، طراحی مسیرهای حرکت پیاده، فعالیت شورای محله، نظارت طبیعی، کاربری‌های فرامحله‌ای، کیفیت نورپردازی، تعریف ورودی‌ها، کاربری‌های شبانه‌روزی، امنیت کاربری‌های متروک، دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی، نظارت رسمی، کاربری‌های غیرفعال، احساس تعلق، نشانه‌گذاری محیطی، فعالیت جاذب افراد پیاده، جهت‌گیری ساختمان‌ها و تعریف عرصه‌ها به‌عنوان متغیرهای مستقل بر میزان امنیت فضا به‌عنوان متغیر وابسته تأثیرگذار هستند. همچنین بررسی شاخص‌ها در میان مردان نشان می‌دهد که به‌ترتیب میان شاخص‌های نظارت رسمی، طراحی مسیرهای حرکت پیاده، احساس تعلق، تراکم شبانه‌روزی جمعیت، نقاط غافلگیری، کاربری‌های غیرفعال، استفاده از دوربین‌های مداربسته، کنترل ورود و خروج افراد غریبه، نظافت محیط، تعریف ورودی‌ها، کاربری‌های شبانه‌روزی و کاربری‌های فرامحله‌ای به‌عنوان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد.

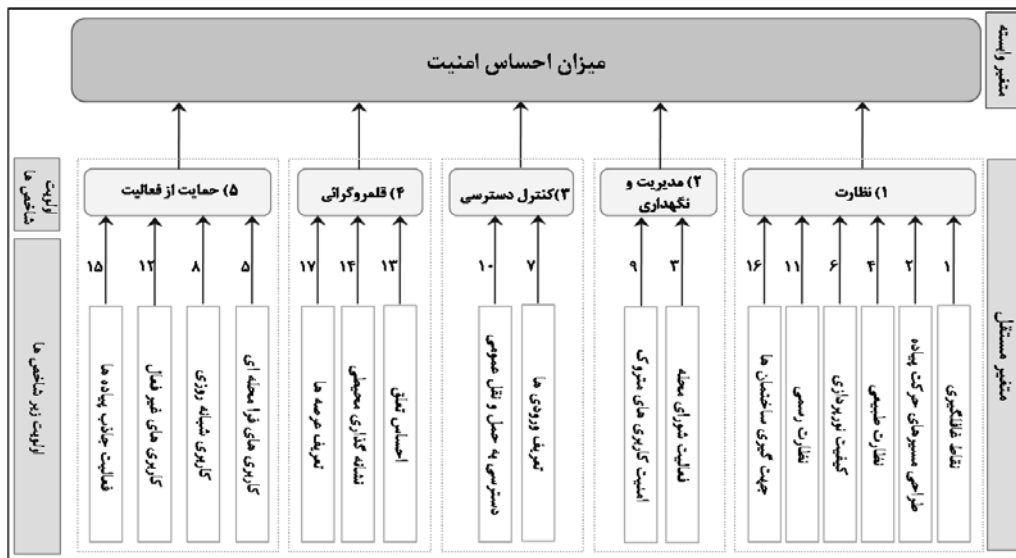
جدول ۷. اولویت‌بندی زیرشاخص‌های مؤثر رویکرد CPTED (متغیر مستقل) بر میزان رضایت‌مندی از امنیت (متغیر وابسته) از دیدگاه زنان و مردان

مردان			زنان				
اولویت	مقدار احتمال	معناداری	زیرشاخص	اولویت	مقدار احتمال	معناداری	زیرشاخص
۱	۰,۴۹۵	۰,۰۰۰	نظارت رسمی	۱	- ۰,۵۶۷	۰,۰۰۰	شاخص ۳ نقاط غافلگیری
۲	- ۰,۳۸۶	۰,۰۰۱	طراحی مسیرهای حرکت پیاده	۲	- ۰,۵۰۲	۰,۰۰۰	طراحی مسیرهای حرکت پیاده
۳	۰,۳۴۷	۰,۰۳۰	احساس تعلق	۳	۰,۴۱۷	۰,۰۰۲	شاخص ۴ فعالیت شورای محله
۴	- ۰,۲۶۹	۰,۰۱۷	تراکم شبانه‌روزی جمعیت	۴	۰,۳۴۵	۰,۰۲۹	نظارت طبیعی
۵	- ۰,۲۶۲	۰,۰۱۸	شاخص ۳ نقاط غافلگیری	۵	- ۰,۳۲۶	۰,۰۱۶	کاربری‌های فرامحله‌ای
۶	- ۰,۲۵۲	۰,۰۲۳	کاربری‌های غیرفعال	۶	۰,۳۱۹	۰,۰۱۲	کیفیت نورپردازی
۷	۰,۲۴۲	۰,۰۴۰	استفاده از دوربین‌های مداربسته	۷	۰,۳۱۳	۰,۰۲۲	شاخص ۱ تعریف ورودی‌ها
۸	۰,۲۳۲	۰,۰۴۸	کنترل ورود و خروج افراد غریبه	۸	- ۰,۳۱۱	۰,۰۲۳	کاربری‌های شبانه‌روزی
۹	۰,۲۱۸	۰,۰۳۵	نظافت محیط	۹	- ۰,۳۱۰	۰,۰۲۹	امنیت کاربری‌های متروک
۱۰	۰,۲۱۴	۰,۰۴۵	شاخص ۱ تعریف ورودی‌ها	۱۰	۰,۲۹۶	۰,۰۱۹	دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی
۱۱	- ۰,۲۱۱	۰,۰۴۳	کاربری‌های شبانه‌روزی	۱۱	۰,۲۷۷	۰,۰۳۳	نظارت رسمی
۱۲	۰,۱۹۳	۰,۰۳۴	کاربری‌های فرامحله‌ای	۱۲	- ۰,۲۷۶	۰,۰۳۴	کاربری‌های غیرفعال
				۱۳	۰,۲۷۱	۰,۰۱۹	احساس تعلق
				۱۴	- ۰,۲۴۸	۰,۰۴۶	شاخص ۲ نشانه‌گذاری محیطی
				۱۵	- ۰,۲۲۴	۰,۰۱۷	شاخص ۵ فعالیت‌های جاذب پیاده‌ها
				۱۶	- ۰,۲۲۲	۰,۰۲۶	جهت‌گیری ساختمان‌ها
				۱۷	- ۰,۲۱۵	۰,۰۳۹	تعریف عرصه‌ها

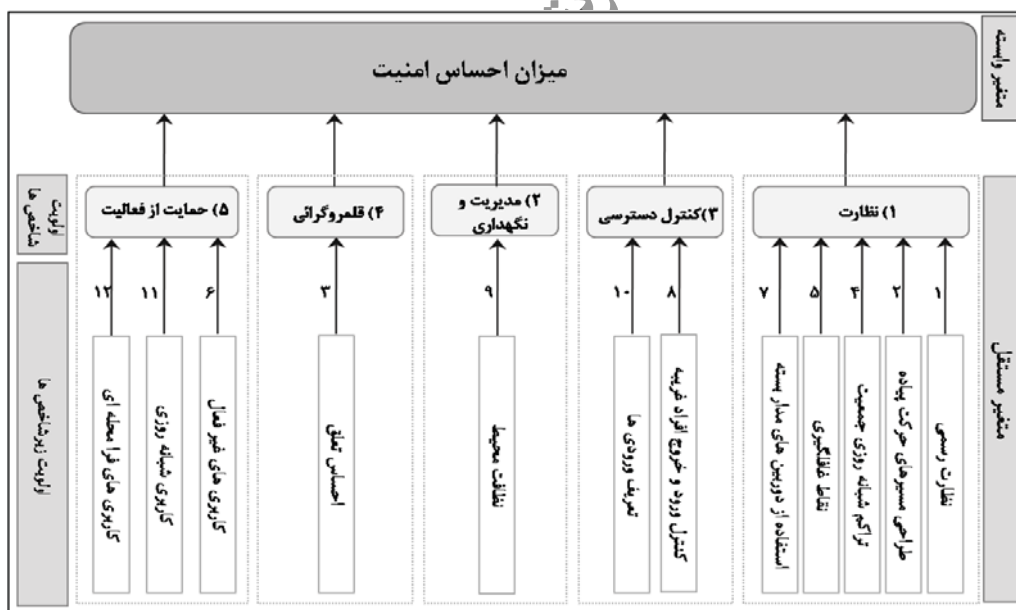
* شاخص ۱- کنترل دسترسی؛ شاخص ۲- قلمروگرایی؛ شاخص ۳- نظارت؛ شاخص ۴- مدیریت و نگهداری؛ شاخص ۵- حمایت از فعالیت

منبع: نگارندگان

در شکل ۳ و ۴ مدل پژوهش بر اساس دیدگاه زنان و مردان ارائه شده است. در ارائه این مدل، به‌منظور اولویت‌بندی شاخص‌های رویکرد CPTED، از بررسی رابطه سؤال اصلی هر شاخص با میزان رضایت‌مندی از امنیت در بین زنان و مردان استفاده شده است که در جدول ۷ به‌ترتیب اولویت مشخص گردیده‌اند.



شکل ۳. ارائه مدل پژوهش بر اساس دیدگاه زنان
منبع: نگارندگان



شکل ۴. ارائه مدل پژوهش بر اساس دیدگاه مردان
منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

تأمین امنیت و کاهش احساس ترس از جرم در میان ساکنان فضاهای محله‌ای بالاخص در بافت‌های نابه‌هنجار شهری همانند بافت‌های فرسوده، زمینه مناسبی را برای افزایش حضور و فعالیت فراهم می‌سازد. اما بی‌شک چنین فضاهایی که باید به عرصه‌ای برای حضور تمامی افراد تبدیل گردند، باید از دید استفاده‌کنندگان فضا دارای مطلوبیت مناسب باشند و رضایت آنان را تأمین نمایند. در این نوشتار بدین‌منظور سعی بر آن شد تا عوامل مؤثر بر امنیت فضای

محل‌های بر اساس رویکرد CPTED و اولویت رضایت‌مندی افراد از امنیت مورد بررسی قرار گیرد و بدین‌وسیله دیدگاه هر دو گروه جنسیتی استفاده‌کننده از فضا در زمینه تأثیر هر یک از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های این رویکرد مورد پرسش قرار گرفت. نتایج بررسی حاکی از آن است که تفاوت قابل توجهی میان زنان و مردان در ادراک وجود امنیت در فضای محله صابونپزخانه و تشخیص عوامل مؤثر بر امنیت و اولویت‌بندی آنها وجود دارد. زنان امنیت محله را کمتر از مردان ارزیابی کرده‌اند و دیدگاه آنان بر تأثیر هر ۵ شاخص مطرح شده در رویکرد CPTED دلالت دارد و آنان به ترتیب شاخص‌های نظارت، مدیریت و نگهداری، کنترل دسترسی، قلمروگرایی و حمایت از فعالیت را مورد تأکید قرار داده‌اند. این درحالی است که مردان به‌ترتیب به تأثیر دو شاخص نظارت و کنترل دسترسی اشاره کرده‌اند. آنچه در این بین مهم به‌نظر می‌رسد، تأکید هر دو گروه به شاخص نظارت به‌عنوان شاخص اول مؤثر در امنیت فضای محله‌ای است که لزوم اتخاذ راهبردها و سیاست‌هایی به‌منظور افزایش نظارت طبیعی بر فضای محله را خاطر نشان می‌سازد. با توجه به تفاوت‌های مطرح شده در دیدگاه این دو گروه، بی‌توجهی به نیازهای هریک از آنها که با هدف فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری روزمره خاص خود به فضای محله مراجعه می‌کنند، زمینه حضور در فضا را به‌خصوص در برخی نقاط همچون پارک‌ها که در شرایط عادی باید دارای خصوصیت جذب جمعیت باشند، کاهش می‌دهد.

در نهایت باید به این مسئله توجه نمود که مقوله امنیت مفهومی چندبعدی و متأثر از عوامل مختلف از جمله ویژگی‌های فردی است که بررسی و کنترل تمامی آنها در یک پروژه با توجه محدودیت‌های زمانی، علمی و حتی شرایط محیطی بافت امکان‌پذیر نیست. لذا در پژوهش حاضر در عین در نظر گرفتن مقوله جنسیت به‌عنوان ویژگی مهم افراد از ویژگی‌های فردی دیگری چون وضعیت تأهل، سن، تحصیلات و غیره به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر در ارزیابی میزان امنیت فضای محله‌ای چشم‌پوشی گردید. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند زمینه پژوهش‌های آتی را فراهم آورند. بر اساس آنچه در بخش ادبیات نظری و یافته‌های پژوهش آمده است، بهره‌گیری از شاخص‌های رویکرد CPTED را می‌توان گامی مؤثر در جهت دستیابی به فضایی زیست‌پذیر و امن برای گروه‌های مختلف جامعه و به‌خصوص برای زنان به‌عنوان یکی از اقشار مهم آسیب‌پذیر در فضای محله‌ای به‌شمار آورد تا در آینده به‌عنوان الگویی در طراحی شهری با هدف تأمین امنیت شهروندان مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Crime Prevention Through Environmental Design(CPTED)
2. Maslow, Abraham
3. C. Ray Jaffery
4. Territoriality
5. Surveillance
6. Access control
7. Image/ space management
8. Activity support
9. Survey
10. Likert Scale
11. Cross Sectional
12. Extensive

13. Validity
14. Content Analysis
15. Preliminary Pre-test
16. Formal Pre-test
17. Validity
18. Reliability
19. Internal Consistency
20. Exploratory factor analysis- EFA
21. Independent Sample T-Test
22. Nominal
23. Contingency Coefficient
24. Ordinal
25. Gamma
26. Exact

فهرست منابع

- دیویس، لولین (۱۳۸۹) مکان‌های امن، سنجش برنامه‌ریزی و پیشگیری از جرم، ترجمه محسن هنرور و امین امینی، انتشارات آرمان شهر، تهران.
- طرح منظر شهری محدوده میانی حسابونیزخانه، گزارش اول (۱۳۸۶)، مهندسین مشاور باوند.
- فرید طهرانی، سایه (۱۳۹۰) ترس در فضای شهری، چاپ اول، انتشارات آرمانشهر، تهران.
- Bennet, T.; Holloway, K. & Farrington, D. P. (2006) "Does Neighborhood Watch Reduce Crime? A Systematic Review and Meta- Analysis," *Journal of Experimental Criminology*, 2, 437-458.
- Blakely, E. J. & Synder, M. G. (1997) *Fortress America Gated Communities In The United States*, Washington D. C, Brookings Institution Press.
- Brantingham, P. L. & Brantingham, P. J. (2005) "Situational Crime Prevention As A Key Component In Embedded Crime Prevention," *Canadian Journal Of Criminology And Criminal Justice*, 271-288.
- Burgess, J. (1998) "But is it worth taking the risk?: How women negotiate access to urban woodland," In: Ainley, R. (Ed.), *New Frontiers of Space: Bodies and Gender*, Routledge, London.
- Clarke, R. & Mayhew, P. (1980) *Designing Out Crime*, HMSO, London.
- Coleman, A. (1985) *Utopia on Trial, Martin Shipman*, London.
- Cozens, P. M., Saville, G. & Hillier, D. (2005) "Crime Prevention Through Environmental Design (Cpted): A Review And Modern Bibliography," *Property Management*, 23, 328-356.
- Crowe. T.D. (2000) *Crime Prevention Through Environmental Design*, Stoneham, Butterworth-Heinemann, Massachusetts.
- Dantzker, M. L. & Robinson, D. M. (2002) "Perspectives On Crime Prevention A Capstone View," In Robinson, D. M. (Ed.) *Policing And Crime Prevention United States*, Pearson Education, Inc.
- Darke, J. (1996) "Man-Shaped City," In: Booth, C., Darke, J., Yeandle, S. (Eds.), *Changing Places: Women's Lives in the City*, Paul Chapman, London.
- Jacobs, J. (1961) *The death and life of great american cities*, Random House, New York.
- Jeffery, R. (1971) *Crime Prevevntion Through Environmental Design*. Sage Publications, Beverly Hills.

- Jacobs, J. (1961) *The Death And Life Of Great American Cities*, Random House, New York.
- Koskela, H. (1997) "Bold walk and breakings: women's spatial confidence versus fear of violence," *Gender, Place and Culture*, 4, 301-319.
- Little, Jo.; Panelli, Ruth. & Kraack, Anna (2005) "Women's fear of crime: A rural perspective," *Journal of Rural Studies*, 21, 151-163.
- Nasar, J. L. & Fisher, B. (1993) "Hot Spots Of Fear And Crime: A Multi-Method Investigation," *Journal of Environmental Psychology*, 13, 187-206.
- Newman, O. (1973) *Crime Prevention Through Urban Design Defensible Space*, The Macmillan Company, New York.
- Pain, R. (1997) "Social geographies of women's fear of crime," *Transactions of the Institute of British Geographers*, 22, 231-244.
- Robinson, M. (1996) *The Theoretical of CPTED*, Appalachian State University Department of Political Science and Criminal Justice.
- Sakip, Siti; Rasidah Md. And Abdullah, Aldrin (2012) "Measuring Crime Prevention through Environmental Design in a Gated Residential Area: A Pilot Survey," *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 42, 340 - 349.
- Schafer, J.; Huebner, T. & Bynum, T. (2006) "Fear of crime and criminal victimization: gender-based contrasts," *Journal of Criminal Justice*, 34, 285-301.
- Simons, C. F. (2002) "The Evolution Of Crime Prevention," In Robinson, D. M. (Ed.) *Policing And Crime Prevention*, United States, Pearson Education, Inc.
- Schneider, R. H. & Kitchen, T. (2007) *Crime Prevention and the Built Environment*, Routledge: Taylor & Francis Group.
- Syarmila Hany, H. (2008) "The Relationship Between Territorial Functioning And Victimisation, Fear of Crime, Neighbourhood Watch And Ethnic Relations: A Case Study Of Subang Jaya Housing Scheme School Of Housing, Building And Planning," *Penang*, Universiti Sains Malaysia.
- Valentine, G. (1990) "Women's fear and the design of public space," *Built Environment*, 16, 288-303.
- Walklate, S. (1998) "Crime and community", *The British Journal of Sociology*, 49, 550-569.
- Welsh, B. C. & Hoshi, A. (2002) *Communities And Crime Prevention, Evidence-Based Crime Prevention*, Routledge, New York.
- Wilson, J. & Killing, G. (1982) "Broken Windows," *Atlantic Monthly*.